

«هوالحکیم»

عنوان:

تنوع در پروژه های نظام آفرینش ظلم نیست!



دکتر باقر پور کاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاصِحَابِ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGHI』

دقت بفرمائید: اون چیزی که بر خداوند لازم و واجب هست، ارائه‌ی طریق هست برای هدایت، طریق می‌کنه. حالا این ارائه‌ی طریق شده، یا این طریق به عده‌ای می‌رسه یا نمی‌رسه دیگه، اگه نرسه که خب مستضعفن که حکمش را گفتیم، اگه برسه عناد بورزند، خب این‌ها که قطعاً جایگاهشون بد جایگاهی هست، اگر هم قبول بکنن که در مسیر حق هست. حالا حرف شما این هست که می‌گین خب، اونایی که قبول کردن که هیچ، اونایی که قبول نکردن مشخصه، اون وسط می‌بینی به يك عده ظلم شده، از تعالیشون موندن، از کمالشون موندن، خب این در صورتی هست که حرف شما درست، در صورتی که ما این جهان آخرین جهان بدونیم. حالا اگر بنا باشه خداوند متعال هر کاستی که در ارتباط با این عالم هست، جای دیگه جبران بکنه، این دیگه ظلم نیست که. فرض بکنید که يك نفر را در این دنیا صلاح نمی‌دونه خداوند بهش پول بده! این باید تا آخر عمر در فقر باشه، با همون فقر هم از دنیا می‌ره، با فلاکت هم از دنیا می‌ره! خب می‌گه؛ خدا یکی داره آنقدر می‌خوره و ناسپاسیش را می‌کنه، یکی يك بنده‌ی مؤمن دچار فقر و بیچارگی شده! این عدالته؟! خب این حرف‌ها وقتی هست که جهان دیگه‌ای نباشه، اصلاً این جا پل هست، این جا امتحان هست. اگر بنا باشه خداوند متعال جای دیگه جبران بکنه، خوب هم جبران بکنه، دیگه حرفی باقی نمی‌مونه که.

-خیلی خوب، عرضم به حضور شما که جبران، اوکی.
 حالا اون بحثی که اگه مثلاً يك دين بلند شه بگه من صراط
 حق، بعد شروع کرد به کشتار چی؟! کشتار هم همین طور هست،
 شما مگر همون شبهه‌ای که در بحث عدل الهی می‌گی، می‌گه؛
 آقا يك زلزله می‌افته يك مشت بی‌گناه از دنیا می‌رن، خدایا این
 عادلانه هست؟ يك جنگ هم می‌شه يك گروهی می‌زنن يك عده
 را می‌کشن، اصلاً کشته می‌شن، خب خداوند متعال همه‌ی این‌ها
 را لحاظ می‌کنه، یعنی چی کار می‌کنه؟ یعنی اگر بنا باشه این
 فرد چهل سال عمر بکنه، بیست سالگی می‌کشنش، بیست سال
 خداوند جای دیگه جبران می‌کنه براش! خیر و ثواب می‌فرسته!
 درجه‌اش را بالا می‌بره! -يك سؤال پیش میاد چرا طراحی را
 این‌جوری بچینیم خب؟ -چرا جور دیگه طراحی نکنیم؟
 چرا برا همه، اتمام حجت برایشون می‌شه، امتحان کنن، به
 قول معروف حالا بپذیرن یا نپذیرن؟ -چرا مثلاً يك عده این‌جوری
 بشن؟ -چرا طراحی را درست نچینیم؟
 -چرا از اول مثلاً خداوند این‌جوری نچیده؟ به قول معروف که همه
 از این بحث صراط متوجه بشن! اون يك بحث دیگه‌ای هست.

شما وقتی می‌تونی اشکال بگیری، اولاً به اصل این مسأله که بگی؛ این اصل ظالمانه هست، بعد خب می‌گی طرح دیگه چیه؟ می‌گی طرح من اینه!

اما این طرح را خداوند عادلانه قرار داده، به قول شما صد تا طرح دیگه هم می‌شه دید، چرا این‌طوره؟
من چه می‌دونم چرا! حکمتش هست...

ولی صد تا طرح دیگه هم شما می‌تونی بگی درسته!
اگر هم خدا اجرا می‌کرد چه بسا گیری نبوده‌ها، ولی شما وقتی می‌تونی این طرح را ببری زیر سؤال که این ظالمانه باشه.

بنده وقتی با عالم دیگه‌ای راجع به شما مثال زدم توجیه کردم ظلمی نشده، اما به قول شما می‌شه مثل ملائکه هم باشه.

-عقل می‌گی خوب را انتخاب کنیم یا خوب‌تر را؟ خدا همه جور

پروژه داره توی عالم، مثلاً پروژهی حیوان داره خب، تو همین

حیوونها، می‌گیم؛ خدایا همین حیوان را انسان خلقش می‌کردی

خب! این‌که بهتر بود، که نبی برایشون می‌فرستادی برای میمون‌ها

هم یک پیامبری می‌فرستادی، برای اسب‌ها هم یک پیامبری

می‌فرستادی، بهتر نبوده؟ به زبان خودشون ارشادشون بکنه؟

چون بعضی از حیوونها چموشی دارن‌ها، این‌طوری نیست که

همه‌ی حیوونها، اون‌ها چموشی خاص خودشون را دارن، بهتر نبود؟

یا فرض بکنید که می‌گه خدایا انسان، همه را مَلَك خلق می‌کردی،
 خب مَلَك هم داره، فرشته همین‌طوری هست دیگه، به همه‌ی
 فرشته‌ها اتمام حجت شده دیگه، فرشته مستضعف من تا حالا
 ندیدم تو حدیثی گفته بشه.

اون پرورده هم داره، پرورده‌ی حیوانات هم داره، پرورده‌ی موجودات
 فضائی هم داره! که تو روایات فراوان داریم که موجوداتی هستن،
 تمدن دارن، جایگاهی دارن، پیشرفت‌هایی دارن، ما از اون‌ها خبر
 نداریم به تعبیری، اون‌ها از ما خبر ندارن، در عوالم دیگه‌ای که
 ما یك ارزنی در عالم هم حساب نمی‌شیم که یك کوهی زمین توی
 منظومه‌ی شمسی هست که منظومه‌ی شمسی نسبت به منظومه‌های
 دیگه و عوالم دیگه، چه می‌دونیم اون‌ها چه موجودات مختلفی
 خداوند خلق کرده در چه جایگاهی هستند! پرورده، پرورده‌های
 مختلفی هست، لازمه‌ی حرف شما اینه که، همه را مَلَك خلق
 بکنه از یك کنار، پرورده‌های مختلفی هست. اما همه اشکال این
 هست، اگر چنان‌چه این در پرورده ظلم به قشری بشه، به طیفی
 بشه، به دسته‌ای بشه، حرف شما درسته!

ولی با توجه به این که جهان پس از مرگ، که خداوند جبران
می‌کند ظلم در کار نیست.

اما چرا این‌طوری کرده؟

من چه می‌دونم چرا!

کما این که می‌تونی همین اشکال را بگیری، چرا در مورد ملائکه،

ملائکه را مثل انسان مستضعف به وجود... چرا؟

چرا در مورد حیوانات این‌طوری؟! چه می‌دونم!

— استاد این‌جوری گیر به خدا وارد نمی‌شه؟

وقتی که یک بهتری هست به فکر انسان حالا به فکر ما مثلاً

می‌رسد یک طرح‌های بهتر! عرضم به حضور شما که پایین‌تر

استفاده کرده، بعد با خودت فکر نمی‌کنی خب شاید اصلاً این

خدایی که ما داریم می‌گیریم، یک خدای جوون هست، داره قدرتش

را امتحان می‌کنه، هنوز خودش وارد نیست، یا اصلاً بین اون صفاتی

که به ما گفته با چیزی که هست متفاوت هست! خب این گیرش

به خدا می‌رسد دیگه، انتظار از خدا، از یک خالق که بهترین را

خلق کنه، همه بهترین بشن؟

همه بهترین بشن، قائده‌اش این هست دیگه، کسی که قدرت کل را

داره، علم کل را داره، نباید بهترین باشه؟

موجودات همه مختلف هستند، بله شاید نقطه‌ای نگاه بکنید،
 بگید که بله، نقطه‌ای نگاه می‌کنید می‌بینید گیاه ازسنگ
 بهتره، ولی در عالم وقتی که تمام، همه را مثل، عالم را مثل يك
 پازل کنار هم بذاری بهترین هست، شما تسلط به کل موجودات
 عالم داری؟

— استاد الان کشت و کشتار بهترین هست؟

-تجاوزها بهترین هست!

توضیح می‌دم این را.

شما يك تابلو نقاشی را که در نظر می‌گیری خب، يك تابلو
 نقاشی هست، يك سگ کشیده طرف، يك آدم هم کشیده، يك
 تابلو رمانتيك کشیده، کوهی کشیده، آسمانی کشیده، نه‌ری
 کشیده، آبشاری کشیده، حالا یکی چی کار می‌کنه؟
 همه‌ی این تابلو را روی يك کاغذ بینه سگه را نشون بده، بعد
 به نقاش بگه سگ کشیدی؟!
 بهتر نبود مَلَك می‌کشیدی!؟

هر چیزی جای خودش لازم هست. ببینید روی هم رفته این تابلو
 آیا نازیبایی توش داره، حرف شما درسته! شما نقطه‌ای در نظر
 می‌گیری، چرا اصلاً سنگ خلق کردی!
 سنگ چیه؟! خب گیاه خلق می‌کردی، گیاه که خیلی بهتر هست
 که، ولی همین گیاه نیاز به سنگ داره.
 خب چرا حیوون؟!

همه را انسان خلق می‌کردی، می‌گه حیوون‌ها بنده‌های خدان،
 انسان هم نیاز به حیوان داره، همه‌ی این‌ها نیازمند به هم‌دیگه
 هستن!

ما نمی‌تونیم نظر بدیم به خاطر این‌که بله نقطه‌ای در نظر می‌گیریم
 همون مثالی که به شما زدم اگر شما توضیح در مورد همون
 کشتارها و این‌ها دارین می‌گین خب بله، شما کشتار می‌گین، من
 به شما مثال زلزله زدم، این که بدتر هست.
 شما چقدر در طی تاریخ به خاطر زلزله، طاعون، بیماری‌هایی که
 هست که نشأت از دل همین طبیعت گرفته شده درسته؟

سیل، آتش‌فشان، چقدر کشته دادیم، در طی تاریخ؟ فراوان، شاید چه بسا بیشتر از کشته‌هایی باشه که در جنگ باشه! خب حالا اول ایراد به خدا بگیر دیگه، همه‌ی این‌ها درست، در صورتی که جهانی پس از مرگ نباشه، جبرانی در کار نباشه، این‌ها بررسی نشده باشه، بله بگن آقا این جهان آخرین بود دیگه تموم شد دیگه، خب یکی پولدار! یکی فقیر! یکی بچه‌ی بی‌گناه از دنیا می‌ره، یکی را می‌کشش، یکی با طاعون از بین میره، یکی دویست سال عمر می‌کنه، همین‌طور مختلف، چی شد این؟ وقتی پس از مرگ جهانی هست، حساب کتابی هست، اصلاً این‌جا پل هست، این‌جا يك مرحله‌ای برای اون مرحله‌ی اصلی که يك عالم لایتناهی هست، یعنی تا بی‌نهایت شما عمر می‌کنی. -خب همیش هم استاد خودش مشکل داره، اصلاً چرا باید این دنیا باشه؟ باز اون بحث می‌ریم يك بحث دیگه. امتحان دیگه. -چرا امتحان بشه؟ گیر امتحان چیه؟ -مگه شما بنده‌هات رو دوست نداری؟ -مگه نمی‌گی از مادر نزدیک‌تری؟ چه گیری هست که آن‌قد لای منگنه بذاریشن!

عرض کردم خدمتتون؛ خدا همه جور مخلوق داره، اصلاً حور
خلق کرده، خدمه‌ی بهشت خلق کرده، از اول هم تو بهشت بودن!
امتحانشون نکرده؟

از اول هم تو بهشت بودن! يك كسايی هم خلق کرده از اون
سنگ‌های جهنمی، خدمه‌ی تو جهنم، این بدبخت‌ها فقط در
عذابن! خودشون عذاب نمی‌کشن، بالاخره با آتش سرو کار دارن و
این‌ها. همه جور خلق داره خداوند، این ظلم که نیست! ظلم، شما
اگه بتونید يك مثالی را برای من بزنید که به این مخلوق ظلم شد،
الان خداوند به این مخلوق ظلم شد، می‌گیم خداوند ظالم هست،
به این پروژه ایراد می‌گیری. ولی وقتی که هر کدوم جهانی پس
از مرگ هست، خداوند جبران می‌کنه! تنوعی در پروژه هست،
گیری نیست این‌ها، اشکال شما این هست. حالا چرا تنوع در
پروژه هست؟ این به حکمت برمی‌گرده، این جوابی نداره! -خب
استاد حکمت شد استدلال عقلی؟ نه. -اصلاً این حکمت هست؟
-آزمایش هست؟

-صلاح هست؟ -خدا خواسته هست!

این‌ها که هیچ کدوم جواب نیست.

اصلاً همه‌اش رد هست.

این‌ها يك سرى كلمات هست كه شما می‌مونید توشون! ببخشید
معذرت می‌خوام، می‌مونید توشون این را می‌گید، استدلال منطقی
باید بیارید.

جواب این‌طوری هست؛ شما تهش این‌جا می‌رسه خداوند حكیم
نیست دیگه، تهش این‌جا می‌رسه دیگه آقا این پروژه..-اصلاً خداوند
صفاتش با اون چیزی كه گفته فرق می‌كنه! -خدا يك چیزی
جوون هست! اصلاً خدا ظالم هست، شما به این‌جا رسیدی دیگه
تمام. این مقدمات را گفتیم كه خدا ظالم هست، خیلی خب اشكال
نداره بنده برای شما اثبات می‌كنم خدا اگر ظالم باشه اصلاً خدا
نیست! اصل خدا بودنش را انكار می‌كنم، پس از اون طرف به اون
معذور عقلی می‌مونیم ما! شما نمی‌تونید خدایی را اثبات بكنی كه
ظالم باشه، ظلم قبلاً در بحث عدل الهی خدمتتون بودیم، نشأت
گرفته از عجز، ضعف، از اهمال كاری، از هر كدوم از این‌ها را
نسبت به خدا بار بكنی، خدایی و واجب الوجود بودن و غنی بودن
و قائم به خود بودنش را ووو.... این‌ها زیر سؤال می‌ره! محدودیت
برای خدا درست می‌كنه. خدا بگه عاجز بوده، قدرتش حد می‌خوره،
ذاتش حد می‌خوره، بگی جاهل بوده، علمش حد می‌خوره، ذاتش
حد می‌خوره، بگه اهمال كاری داشته حكمتش حد می‌خوره.

اون طرف وقتی به معذور عقلی شما رسیدی، من اینطوری نگفتم
 که موندم بگم حکمت الهی، من کجا چنین حرفی زدم؟ اصلاً من
 این رو نمی‌گم.

ته قضیه اینه که؛ می‌خوای بگی خداوند متعال ظالم هست، می‌گی
 درسته! حالا این‌جا بیاییم ببینیم آیا ظلم با وجود واجب الوجود، قائم
 به ذات، اون خدایی که داریم معرفی می‌کنیم، اون خدایی که باید
 باشه قابل جمع هست یا نه؟

می‌بینیم قابل جمع نیست، مگه که انکار خدا بکنیم.

پس اون‌جا که نیست خدا عادل هست، حالا می‌مونیم خدای
 عادل، پروژهی متفاوت، چی کار باید این‌جا بکنی؟ غیر از اینه بگی
 رو حکمتش هست؟

یا باید بگی ظالمه، یا باید بگی عادله دیگه، عدلش را اگه قبول
 کردیم با این پروژه هم روبرو شدی، این‌جا چی کار باید شما بکنی؟
 یا باید خدا رد کنیم یا بگیم پروژه درسته،

باریکلا.

یا اون که بگیم رو حکمت هست، همین حرف من.
 پس من نمی‌خوام شما را دور بزنم، یک واژه‌ی حکمت را استفاده
 بکنم، بگم آیا حکمتش اینه، نمی‌تونم جواب بدم. شما می‌گی شما گیر
 می‌کنی می‌گی حکمت! نه، من کجا همچین حرفی زدم؟ من چون
 می‌دونم که عدل ظلم با وجود خدا قابل جمع نیست و این پروژه
 هم الان در ارتباط با اون هستیم چه کار بکنیم؟ مجبوریم بگیم به
 حکمت هست. هر کدوم شما تأملی بکنید می‌بینید به هیچ کدوم
 ظلم هم نشده، همون بچه‌ی یک ساله زلزله میاد کشته می‌شه، اصلاً
 سرش را می‌برن خب، سرش را می‌برن دیگه، بالاتر از این نیست
 که، ده دقیقه عذاب کشید درسته، ده دقیقه سختی کشید درسته،
 وقتی رفت اون‌جا خداوند می‌گه؛ مثلاً عمر این به طور طبیعی صد
 سال هست، هفتاد سال هست، هفتاد سال بهش نعمت و خیر بده،
 اون بچه می‌گه خدایا دستت درد نکنه آگه من بودم یک عالمه گناه
 می‌کردم، معصیت می‌کردم، بعد این‌ها را باید این‌جا جواب می‌دادم
 صاف ما را بردی بهشت. - البته استاد این بحث یک بحث احساسی
 هست، ولی خب عرضم به حضور شما وقتی نگاه می‌کنی...
 نه احساسی نیست عقلی هست.

-می بینین هشت سال مثلاً طرف تو يك زیرزمینی بوده از صبح تا شب شکنجه اش می کردن خب، وقتی این را نگاه می کنی می بینی اصلاً به بهشتش هم نمی ارزه اگر بخوای این جورى فرض کنید احساسی کنی، همون چیزی که جبران کنی، جبران نکن ولی خب این هشت سال را نده، این کار را نذار مثلاً اتفاق بیفته! اصلاً با اون يك چیز متفاوتی هست، یعنی می شه این نباشه ها. شما نگاه کن درسته هشت سال سختی کشیده، اگه خداوند متعال اون جا جورى به این اون قدر بده، بده، بده از فضل خودش، از نعمت خودش، باور کنید خودش می گه کاش هشت سال بود هشتاد سال، منتها توانش را داشتم.

ما الان این جا داریم می گیم شما چرا؟ چون نعمات و لطف خدا را ندیدیم در اون عالم! سختی ها را داریم می بینیم، اصلاً همین نقد را بده خدایا، چی کار داریم ما اون جا به نسیه ی تو! اگر چنان چه اون جریان را بخواییم ببینیم این حرف را نمی زدیم، به خاطری که ما هر چیز این نعمت های محدود هست، وقتی اون جا نعمت های کثیری در حد وسیع ببینیم دیگه جریان فرق می کنه.